

است و همچنین روزه، که سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است.

منابع: مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی؛ مصباح؛ الاتیان
بصالح الاعمال، سید رضی‌الدین ابن طاووس. نرگس ظلی

عمل‌های ماه شعبان، شعبان ماه هشتم از ماه‌های قمری عربی است و میان ماه رجب و رمضان واقع است. جمع آن شعابین و شعبانات. این نام از ریشه شعب گرفته شده که هم بر جدایی و افتراق و هم بر فراهم آمدن و اجتماع دلالت دارد (نایره المعارف تسیع، ۵۹۱۱۹). این ماه منسوب به رسول اکرم (ص) می‌باشد. پیغمبر اکرم فرمودند: شعبان ماه من است پس روزه بدارید برای محبت پیغمبر و برای تقرب به سوی پروردگار خود. امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: هرکسی به توصیه پیغمبر (ص) عمل کند، خدا او را دوست دارد و به کرامت خود در روز قیامت او را نزدیک گرداند و بهشت را برای او واجب گرداند، مخصوصاً روزه روز اول شعبان.

اعمال ماه شعبان دو قسم است: (۱) اعمال مشترکه، (۲) اعمال مختصه.

اعمال مشترکه (اول) هر روز هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ». (دوم) هر روز هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»؛ هر دو این عمل خوب است، ولی از روایات مستفاد می‌شود که بهترین دعاها در این ماه استغفار یعنی همان عمل اولیه است. و هفتاد مرتبه استغفار در یک روز این ماه برابر است با هفتاد هزار در ماه‌های دیگر؛ سوم) صدقه دادن؛ (چهارم) در تمام این ماه هزار بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» که ثواب بسیار دارد، از جمله این که عبادت هزار ساله در نامه عملش نوشته می‌شود؛ پنجم) دو رکعت نماز در هر پنجشنبه این ماه، در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از سلام صدبار صلوات، تا حق تعالی هر حاجتی که دارد برآورده کند، همچنین روزه روزهای پنجشنبه فضیلت دارد؛ در خبر نبوی است که هر که روز دوشنبه و پنجشنبه شعبان را روزه بدارد، حق تعالی بیست حاجت دنیایی و بیست حاجت از حاجت‌های آخرت او را برآورد؛ ششم) صلوات بسیار بر محمد و آل محمد (ص) بفرستد؛ هفتم) در هر روز از شعبان هنگام ظهر و نیمه شب، صلواتی را که از حضرت امام زین‌العابدین (ع) روایت شده است، بخواند؛ متن صلوات در مفاتیح الجنان در بخش اعمال مشترکه ماه شعبان آمده است؛ هشتم)

معین ندارد و آن چند امر است، در خواندن نمازها و دعا‌های متعددی که از ائمه شیعیان و رسول اکرم (ص) روایت شده است. کیفیت این نمازها در مفاتیح الجنان و اقبال سید بن طاووس به طور کامل و مفصل آمده است.

۲) اعمال مخصوص : هر روز یا شب از ماه رجب، اول) بادیدن ماه دعای مخصوص «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ ...» را بخواند، دوم) غسل، سوم) زیارت حضرت امام حسین (ع)، بقیه اعمال روز یا شب از ماه رجب در کتب روایی و ادعیه به تفصیل آمده است.

شب جمعه اول ماه رجب را «ليلة الرغائب» می‌گویند، برای این شب از حضرت رسول اکرم (ص) عملی وارد شده: روز پنجشنبه آن را روزه می‌داری؛ چون شب جمعه داخل شود، ما بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز می‌گذاری هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت از آن یک مرتبه حمد و سه مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ دَوَّازِهُ رَبُّهُ تَوْحِيدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلَيْنَا عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» پس به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرَّسُولِ، پس سر از سجده برمی‌داری و هفتاد مرتبه می‌گویی: «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» پس باز به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرَّسُولِ» پس حاجت خود را می‌طلبی.

شب اول و روز اول ماه هر کدام اعمال ویژه خود را دارند که در کتب ادعیه و روایی آمده است.

روز نیمه رجب نیز چند عمل دارد: اول) غسل، دوم) زیارت حضرت امام حسین (ع)، سوم) نماز سلمان، چهارم) چهار رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست خود را باز کند و دعایی را که در این بخش در مفاتیح الجنان ذکر شده است بخواند «اللَّهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ ...»، پنجم) اعمال ام داوود که در مصباح ... تفصیل آن گفته شده است و آن را در آخرین روز اعتکاف می‌خوانند.

شب بیست و هفتم رجب، شیخ در مصباح از امام جواد (ع) نقل کرده: عبادت در شب بیست و هفتم رجب که در صبح آن پیغمبر خدا به رسالت مبعوث گردید، اجر و پاداش شصت سال عبادت را دارد و برای آن چند عمل وارد شده است که در مفاتیح و کتب دیگر آمده است.

روز بیست و هفتم، روزه این روز برابر است با روزه هفتاد سال و از اعیاد عظیمه است که جبرئیل وحی پیامبری را بر حضرت نازل کرده است: اول) غسل، دوم) روزه و بقیه اعمال و ادعیه.

روز آخر ماه، در آخرین روز ماه رجب، نماز سلمان سفارش شده

صولی، محمد بن یحیی ← محمد بن یحیی

صولی

صولی شطرنجی، ابوبکر محمد بن یحیی بن عبدالله

...صولی (م ۳۳۵ق) از اکابر محدثین و ادبای عصر عباسی و ندیم سه تن از خلفای عباسی: الراضی و المکتفی و المقتدر بود. اجدادش از خراسان برخاسته و جد اعلایش صول تگین در ناحیه صول (گرگان) امارت داشت. چون در بازی شطرنج استاد مسلم زمان خود بود او را شطرنجی لقب داده بودند. از محدثین مثل ابو داوود سجستانی و ثعلب نحوی روایت حدیث کرده و دار قطنی و ابو عبدالله مرزبانی (جامع دیوان یزید بن معاویه) از او روایت نموده‌اند. تألیفات او به شرح ذیل است: (۱) *الأوراق* در تاریخ و اشعار بنی عباس (۲) کتاب *أدب الکتاب* (۳) *أخبار القرامطة* (۴) *الغزیر* (۵) *أخبار ابن هرمه* (۶) *أخبار ابراهیم بن المهدي* (۷) *أخبار الحلاج* (۸) *الوزراء* (۹) *أخبار ابی تمام* (۱۰) شرح *دیوان ابی تمام* (۱۱) *وقعة الجمل* (۱۲) *أخبار ابی عمرو بن العلاء* (۱۳) *کتاب العیادة* (۱۴) *أخبار السید اسماعیل الحمیری* (۱۵) *أخبار اسحاق بن ابراهیم* ... بعلاوه دیوان شعرای مشهور چون ابونواس و ابو تمام را جمع آوری و به ترتیب حروف تهجی مدون کرده است وی به سبب خبری که در حق علی بن ابی طالب (ع) روایت کرد شیعیان و سنیان را بر ضد خود برانگیخت تا جانی که در صدد قتل او بر آمدند. ناچار خود را پنهان کرد و از بغداد به بصره گریخت و در آنجا به سال ۳۳۵، یا ۳۳۶ ق درگذشت.

منابع: *وفیات الاعیان*، ابن خلکان، ۵۰۸/۱؛ *تاریخ بغداد*، خطیب بغدادی، ۲۷/۳؛ *لسان المیزان*، ابن حجر عسقلانی، ۲۷/۵؛ *حیدر آباد* ۱۳۳۱ق؛ *روضات الجنات*، خوانساری، ۶۷۹؛ *الأعلام*، زرکلی، ۴۱۸.

مشایخ فریدنی

صوم ← روزه

صوم ماه شعبان، عنوان رساله‌ای است به زبان فارسی

از علامه مولی محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱). این رساله که در بعضی از فهرستها با نام «آداب ماه شعبان» ضبط گردیده است متضمن روایاتی است در ثواب و فضیلت روزه روزهای ماه شعبان. نسخه‌ای خطی از این رساله به تاریخ ۱۱۲۵ در ضمن مجموعه شماره ۱۸۷ (۲۲) (مرعی ۲۱۳/۱) موجود است و در ۱۴۱۲ ق در ضمن کتاب بیست و پنج رساله فارسی (۱۸۰)

شناس هند، خود به سراغ او می‌رفتند. و اکرام شایسته‌اش می‌نمودند. آشنائی عمیق صوفی با کتب صوفیانه و اندیشه آزادش (که گویا سابقه تقطوبگری هم داشت) او را به آستانه تکفیر کشانید اما موحدی شیعه مذهب بوده است و در سابقنامه از حضرت علی (ع) یاد کرده است (رک: *میخانه*) شعرا و کم است چون از سر تکلیف شعر نمی‌گفته و گهگاه دو بیت هائی در سیاق فلهویات سروده است. وی به سال ۱۰۳۵ ق در هند وفات یافت.

منابع: *الذریعة*، ۹-۶۲۲/۲؛ *کاروان هند* ۱۲۳۳/۲؛ *میخانه*، ۴۷۶؛ *تاریخ ادبیات ایران*، دکتر صفا، ۱۰۴۷/۵؛ سه دیوان صوفی مازندرانی، شهاب ذکاوتی قراقرلو

صولی، ابواسحاق ابراهیم بن العباس بن محمد بن صول

تگین (بغداد ۱۷۶ - سامره ۲۴۳ق) نویسنده و شاعر بزرگ عراق در عصر خود بود. اصلاً خراسانی و جدش محمد از رجال و داعیان دولت عباسی بود. صول ناحیه‌ای در گرگان است که پدر محمد ملقب به صول تگین در آن ناحیه امارت داشت. ابراهیم در بغداد پرورش یافت و همانجا علم و ادب آموخت. هوش و فضل و طبع روان و سلیقه او در نویسندگی و شاعری به پایه‌ای بود که معتصم عباسی (محمد بن هارون م ۲۳۲ق) و بعد از او الواثق (هارون بن محمد م ۲۳۲ق) و المتوکل (جعفر بن محمد م ۲۴۷ق) او را به ریاست دفتر مخصوص (کاتب) برگزیدند. به مناصب بزرگ دیگر نیز رسید که آخرین آنها ریاست ضیاع و نفقات (املاک و مصارف دربار خلافت) بود و در همین مقام در سامره در عمر شصت و هفت سالگی درگذشت. وی عم پدر ابوبکر صولی شطرنجی بوده است. علاوه بر نویسندگی در شاعری نیز استاد بود. دعبل خزاعی ستایشگر امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌گفت اگر ابراهیم صولی به پیشه شاعری می‌پرداخت، ما شعرا گرسنه می‌ماندیم. یاقوت حموی در *معجم‌الادب* آورده است که وی فقط نخبه‌های اشعار خود را نگاه می‌داشت و بقیه را معدوم می‌کرد. مسعودی در *سروج الذهب* او را از همه شاعران و نویسندگان متقدم و متأخر برتر شمرده است. وی به سبک عباس بن احنف یمامی که به قولی خیال او بود شعر می‌سرود. از تألیفات ابراهیم صولی *دیوان رسائل*، *دیوان اشعار*، *کتاب الدولة*، *کتاب العطر* و *کتاب الطبیخ* معروف است.

منابع: *سروج الذهب و معادن الجواهر*، مسعودی، ۲۹۹/۲؛ *تاریخ بغداد*، خطیب بغدادی، ۱۱۷/۶؛ *ارشاد الادیب (معجم‌الادب)*، یاقوت حموی، ۲۶۲/۱؛ *روضات الجنات*، خوانساری، ۴۰۵؛ *الأعلام*، زرکلی، ۳۸۱.

مشایخ فریدنی

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

29 Haziran 2018

11 KASIM 1993

خوش نیت ، سید حسین . " سوم شعبان تولد حضرت حسین (ع) آغازی دوباره " . منشور
برادری ، دوره جدید ، ش ۲۳۰ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳) ص ۲۰۱ . ۱۸۵۸
HUSEYIN
ŞEBAN
ORUĞ

" من حسین بن علی هستم ، سرگند خورده ام که هیچگاه در برابر دشمن سرفروزم تاورم " .
اطلاعات (۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳) ص ۱۷ . ۱۸۶۰
HUSEYIN
ŞEBAN
ORUĞ

11 KASIM 1993

مطلبی به مناسبت سوم شعبان مالروز ولادت امام حسین (ع) .

ŞA'BAN

TTM

Şa'ban Orucu

Ayni, Umde C.9 s. 150

ŞABAN

ITM

Şaban'ın 15. gecesinin bir müstesnayeti var-
midir ve insanlara o geceki kutlamala-
rı caimdir?

Serbasi. "Yes elineke...". C. 366-359

19 EKIM 1993

" ماه شعبان، ماه رسول الله " . جمهوری اسلامی (۲۴ فروردین ۱۳۶۵) ص ۱۰ . ۲۷۹۹ ŞABAN

19 EKIM 1993

" شعبان المعظم ماه رحمت وبرکت " . جمهوری اسلامی (۲۳ فروردین ۱۳۶۵) ص ۲ . ۲۷۹۷ ŞABAN

01 KASIM 1993

محمدی کیلانی ، محمد ، آیت الله . " تجلی عرفان از مناجات ماه شعبان " .
پاسدار اسلام ، سال ۶ ، ش ۶۸ (مرداد ۱۳۶۶) ص ۱۹-۲۱ ، ۵۲ ، ش ۶۹ (شهریور
۱۳۶۶) ص ۴۳-۴۵ . ۲۰۸۲
ŞABAN

30 OCAK 1997

186 RISPLER-CHAIM, V. The 20th century treatment of
Şaban an old bid'a: Laylat al-Nisf min Sha'ban. Der Islam,
72 i (1995) pp.82-97

01 KASIM 1993

181524 ŞABAN
1401 DHORAT, Muhammad Saleem, 'Sig-
nificance of Sha'baan'. Riyaadh Ul Jannah -
Gardens of Paradise (Leicester), 1:3, 1992,
pp.6-8
1389-1413

3046 'The Prophet's Month of Sha'baan'.
Şaban Yaqeen International (Karachi, Pakistan),
41:19-20, 1993, pp.115-17

136 Entretien intime des gens de la demeure Prophétique
(que la Paix divine soit avec eux) pendant le mois de
Şaban. Tr. Bonaud, Yahia. Aux Sources de la
Sagesse, 5 / 18 (1998) pp.93-107 (Invocations.) Şaban

04 EKIM 1999

17 NISAN 2000

181524 SABAN

شعبان

من الشهور غير منصرف وجمعه شعبان وشعابين قاله الفيومي وفي
التاج شعبان شهر بين رجب ورمضان قال يونس من تشعب اذا تفرق
كانوا يتشعبون فيه في طلب المياه وقيل في الغارات وقال ثعلب قال بعضهم
انما سمي شعبان شعبانا لانه شعب اي ظهر بين شهر رمضان ورجب .

10 8 EKIM 1993

السيد عبد الخالق النقي، تحقيق اسامى الشهور العربية و ايام الاسبوع (مع ملحق فى بيان دارات
العرب المعروفة)، ثقافة الهند، مج. ١٣، ع. ٤، ١٩٦٢، دلهى الجديدة.

5.17 -

1994
01 EKİM 1994

﴿ شعبان ﴾ SABAN

• غفران الذنوب في ليلة النصف

مِن شَعْبَانَ -

تر - ك ٦ ب ٢٩

مج - ك ٥ ب ١٩١

حم - ثان ص ١٧٦ ؛ سادس ص

٢٢٨

• مَا كَانَ النَّبِيُّ صَ أَكْثَرَ صِيَامًا

منه في شَعْبَانَ -

انظر : الصَّوْم

WENSINCK AREN JEAN, MIFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE,

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 252 DIA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مى = سنن
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن
هشام، قد = مغازي الواقدي

* لم يكن النبي ص يصوم شهرًا

أ كثر من شعبان -

بخ - ك ٣٠ ب ٥٢

مس - ك ١٣ ح ١٧٥ - ١٧٧

بد - ك ١٤ ب ١٢ و ٥٧ و ٥٩

تر - ك ٦ ب ٣٧

نس - ك ٢٢ ب ٢٣ - ٢٦ و ٧٠

مج - ك ٧ ب ٤ و ٣٠

مى - ك ٤ ب ٢٣

ما - ك ١٨ ح ٥٦

حم - ثالث ص ٢٣٠ ؛ خامس

ص ٢٠١ ؛ سادس ص ٢٩

و ٨٠ و ٨٤ و ٨٩ و ١٠٧ و ١٢٨

و ١٤٣ و ١٥٣ و ١٦٥ و ١٧٩

و ١٨٨ و ١٨٩ و ٢٢٣ و ٢٤٢

و ٢٤٩ و ٢٦٨ و ٢٩٣ و ٣٠٠

و ٣١١

ط - ح ١٤٧٥ و ١٦٠٣

* إذا كان النصف من شعبان

فلا صوم حتى يجي رمضان

بد - ك ١٤ ب ١١ ق

SAIBAN

مج - ك ٧ ب ٥ ق

مى - ك ٤ ب ٢٤

* قضاه أيام رمضان في شعبان

حم - سادس ص ١٢٤ و ١٣١

ط - ح ١٥٠٩

* كراهية الصوم في النصف

الثاني من شعبان -

بد - ك ١٤ ب ١٣

مج - ك ٧ ب ٥

مى - ك ٤ ب ٢٤

تر - ك ٦ ب ٣٨

* صوم يوم النصف من شعبان

مج - ك ٥ ب ١٨٨

04 EKIM 1994

WENSINCK AREN JEAN, MIPTAHU KÜNUZÜ'S-SÜNNE.

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss 286-287 DİA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مى = سنن
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن
هشام، قد = مغازي الواقدي

zāhir, Riyād 1976, 358; Ibn al-ʿAdīm, *Zubda*, Damascus 1968, iii, 152, 154, 259; *Anonymous Syriac Chronicle*, in *JRAS* (1933), 280, 288; Ibn al-Aṭhīr, *al-Kāmil*, Beirut 1966, xi, 94, xii, 83, 180, 182, 343; *al-Taʾrīkh al-bāhir*, Cairo n.d., 67; Ibn al-ʿIbrī (Bar Hebraeus), *Mukhtaṣar al-duwal*, Beirut 1890, 393; Ibn Shaddād, *Aʿlāk*, i/3, Damascus 1978, 68, i/2, Damascus 1991, 196; Matthew of Edessa, *Chronique*, Paris 1858, 280; Michael the Syrian, *Chronique*, Paris 1905, iii, 216; Ibn Naẓīf, *al-Taʾrīkh al-Manṣūrī*, Damascus 1981, 18, 19, 39, 159; Ibn Wāṣil, *Mufarrīdī*, iii, Cairo 1961, 140; D. Morray, *Qalʿat Jumlayn: a fortress of Šabahtān*, in *BEO*, xlv (1993), 161-82; M. von Oppenheim, *Arabische Inschriften, bearbeitet von Max van Berchem*, in *Beiträge zur Assyriologie und semitische Sprachwissenschaft*, viii/1, Leipzig 1909, 62-3. (D.W. MORRAY)

SHA'ĀBĀN, name of the eighth month of the Islamic lunar year. In classical *ḥadīth* it has already its place after Raḍjab Muḍar. In Indian Islam it has the name of *Shab-i barāt* (see below), the Atchehnese call it *Kandūri bu* and among the Tigrē tribes of Eritrea it is called *Maddagen*, i.e. who follows upon Raḍjab.

In early Arabia, the month of Sha'ābān (the name may mean "interval") seems to have corresponded, as to its significance, to Ramaḍān. According to the *ḥadīth*, Muhammad practised supererogatory fasting by preference in Sha'ābān (al-Bukhārī, *Ṣawm*, *bāb* 52; Muslim, *Ṣiyām*, trad. 176; al-Tirmidhī, *Ṣawm*, *bāb* 36). ʿĀ'isha recovered in Sha'ābān the fast days which were left from the foregoing Ramaḍān (al-Tirmidhī, *Ṣawm*, *bāb* 65).

In the early Arabian solar year, Sha'ābān as well as Ramaḍān fell in summer. Probably the weeks preceding the summer-solstice and those following it, had a religious significance which gave rise to propitiatory rites such as fasting. This period had its centre in the middle of Sha'ābān, a day which, up to the present time, has preserved feature of a New Year's day. According to popular belief, in the night preceding the 15th, the tree of life on whose leaves are written the names of the living is shaken. The names written on the leaves which fall down, indicate those who are to die in the coming year. In *ḥadīth* it is said that in this night God descends to the lowest heaven; from there he calls the mortals in order to grant them forgiveness of sins (al-Tirmidhī, *Sunan*, *bāb* 39).

Among a number of peoples, the beginning or the end of the year is devoted to the commemoration of the dead. The connection can also be observed in the Muslim world. For this reason Sha'ābān bears the epithet of *al-muʿazzam* "the venerated". In the Indo-Muslim world in the night of the 14th people say prayers for the dead, distribute food among the poor, eat *ḥalwa* (sweetmeats) and indulge in illuminations and fireworks. This night is called *laylat al-barāʿa*, which is explained by "night of quittance", i.e. forgiveness of sins.

In Atcheh, this month is likewise devoted to the dead; the tombs are cleansed, religious meals (*kandūri* [q.v.]) are given and it is the dead who profit from the merits of these good works. The night of the middle of Sha'ābān bears a particularly sacred character, as is attested by the *kandūris* and the *ṣalāts* which are called *ṣalāt al-ḥādja* or, on account of certain eulogies, *ṣalāt al-ṭaṣābiḥ*. During the last days of the month, a market is held in the capital.

At Mecca, Raḍjab, not Sha'ābān, is devoted to the dead. Here, in the night of 14th Sha'ābān, religious exercises are held; in the mosque, circles are formed which under the direction of an *imām* recite the prayer peculiar to this night.

In Morocco, on the last day of Sha'ābān a festival is celebrated called the *Sha'ābāna* which resembles a carnival. A description of it is to be found in L. Brunot, *La mer dans les traditions et les industries indigènes à Rabat et Salé*, Paris 1921, 98-9.

Bibliography: E. Littman, *Die Ehrennamen und Neubenennungen der isl. Monate*, in *Isl.*, viii (1918), 228 ff.; Herklots, *Qanoon-i Islam*; C. Snouck Hurgronje, *The Achehnese*, i, 221 ff.; idem, *Mekka*, ii, 76, 291; A.J. Wensinck, *The Arabic New Year*, in *Verh. Ak. Amst.*, new ser. xxv, no. 2, 6-7.

(A.J. WENSINCK)

SHA'ĀBĀN, the name of two Mamlūk sultans.

1. AL-MALIK AL-KĀMIL, (son of al-Nāṣir Muḥammad b. Kālāwūn [q.v.]), who succeeded his full brother, al-Šāliḥ Ismāʿīl, on the latter's death on 4 Rabīʿ II 746/4 August 1345.

His accession was brought about by a faction headed by his stepfather, Arghūn al-ʿAlāʾī, who had been in effect regent for Ismāʿīl. A rival faction led by the vicegerent of Egypt, Almalik, supporting his half-brother Ḥādjdjī, rapidly lost power, and Arghūn became the dominant magnate throughout the reign. His sound political advice to the sultan served as a moderating influence, but was frequently disregarded. Sha'ābān's authority deteriorated rapidly from the beginning of 747/April 1346. Almalik and his colleague, Kumārī, were sent to prison in Alexandria, and their property was sequestered. The death of Yūsuf, another son of al-Nāṣir Muḥammad, in Rabīʿ II/July-August, gave rise to suspicions that the sultan was implicated. The final crisis of the reign resulted from Sha'ābān's determination to make a state visit to the Ḥidjāz, which led to heavy demands on the peasantry of Egypt for grain, and on the Arabs of Syria for camels, while it would have involved the Mamlūk military aristocracy in ruinous expenditure. A conspiracy to overthrow the sultan was hatched by the governor of Damascus, Yalbughā al-Yaḥyāwī. When Sha'ābān seized two of his remaining brothers, Ḥādjdjī and Ḥusayn, and placed them under guard (29 Djumādā I/18 September), revolt broke out among the Mamlūks of Cairo. The sultan, accompanied by Arghūn al-ʿAlāʾī, went out to confront them with a small loyal force. His offer to abdicate was rejected, and in the ensuing skirmish Arghūn was wounded and captured. Sha'ābān fled, but was captured and put to death (3 Djumādā II/21 September), while Ḥādjdjī had been released and proclaimed sultan two days previously.

Bibliography: Notices of some leading personalities of the reign are given by their contemporary al-Ṣafadī; e.g. Sha'ābān, Arghūn al-ʿAlāʾī, Almalik (*Wāfi*, xvi, 153-5; viii, 355; ix, 372-3, respectively). There are detailed accounts of the reign by the 9th/15th-century chroniclers, Makrīzī, *Sulūk*, ii/3, 680-713; and Ibn Taghribirdī, *Nudjūm*, x, 116-41.

2. AL-MALIK AL-AṢHRAF, Mamlūk sultan (grandson of al-Nāṣir Muḥammad b. Kālāwūn [q.v.]), who succeeded his cousin, al-Manṣūr Muḥammad, when the latter was deposed on 15 Sha'ābān 764/30 May 1363.

Owing to Sha'ābān's youth (he was born in 754/1353-4), a series of high Mamlūk *amīrs* held power in the early years of his reign. Yalbughā al-ʿUmārī and Taybughā al-Tawīl, originally Mamlūks of al-Nāṣir Ḥasan [q.v.], at first shared the regency, until Taybughā was ousted in Djumādā II 767/March 1366, when Yalbughā assumed sole power. In the meantime, a Crusading expedition under King Peter I of Cyprus briefly occupied Alexandria (Muḥarram

Berat Gecesi
Kadir Gecesi
Sabah

التبليغ

فيما يتم بمقتضى بيان الله ورسوله صلى الله عليه وسلم في شأن

مسألة على التتبع

تفصيل كتابه الكريم

بإذن من المجلس الإسلامي للإفتاء بدمشق

كلمة المعلق:

الحمد لله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين ، والصلاة والسلام على خاتم النبيين وامام المرسلين سيدنا محمد الذي ارسله الله رحمة للعالمين ، وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهداه ، ودعا بدعوته الى يوم الدين .

(أما بعد)

فان لله تعالى أوقاتا يتجلى فيها على عباده ، ويبسط لهم فيها سوائد كرمه واحسانه ، ويقبل عليهم برحمته ورضوانه ، ويدعوهم للتعرض فيها لعظم نواله ، تذكيرا لهم بما وقع فيها من أحداث وما أفاضه عليهم فيها من النعم ليقوموا له بشكرها ، كما جاء في بعض الاحاديث : (ان لربكم في أيام دهركم نفعات ، الا فتعرضوا لها) ، وفي بعض الروايات : (ان لربكم في أيام دهركم نفعات فتعرضوا لها ، لعله أن يصيبكم منها نفعة فلا تشقون بعدها أبدا) .

على أن لله تعالى أن ينزل بعض مخلوقاته على بعض ، فقد فضل بعض الازمنة : من الايام والساعات والشهور على بعض كيوم الجمعة وساعة الجمعة على غيرها من الايام والساعات : (فيه ساعة لا يوافقها عبد مسلم يسأل الله تعالى شيئا الا اعطاه اياه) ، وفضل بعض الامكنة على بعض المساجد الثلاثة على غيرها ، وبعضها على بعض فيما بينها ، وفضل بعض عبادته على بعض كالرسل على سائر الخلق ، وبعضهم على بعض فيما بينهم ، وخاتمهم على سائر الخلق « والله يحتم الله من شاء » « وان القضاء بيد الله بما يشاء » .

كما انصح المراكز والجمعيات الاسلامية القاسمة في الدول الكتابية ان يدعوا الى الله على بصيرة كما هي طريقة محمد صلى الله عليه وسلم ومن اتبعه . « قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا ومن اتبعني ، وسبحان الله وما من المشركين » (١) .

وليدعوا الكافر الى الدخول في الاسلام من بابيه وهو . « شهادة الا اله الا الله وان محمدا رسول الله » . وبعد ذلك يعلموه فروع الشريعة على ضوء ما جاء به الرسول الكريم ، وليحذروا من تلفيق الشخصية المسلمة فان ذلك لا ينفع ، فالله لا يقبل من العمل الا ما كان خالصا موافقا لهدي الرسول عليه الصلاة والسلام ، قال تعالى : « تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير ، الذي خلق الموت والحياة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور » (٢) .

فاحسن العمل : اخلاصه واصوبه . قال تعالى : « قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم » (٣) . نزلت هذه الآية في قوم ادعوا محبة الله ورسوله ولا يتابعونه ، فآخبرهم الله بعلامة المحبة وثمرتها ، ولهذا سمي المفسرون هذه الآية آية (المحنة) ففي حديث عائشة الصحيح قالت : « سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : « من عمل عملا ليس عليه امرنا فهو رد » وقال تعالى : « ومن اراد الآخرة وسعى لها سعيها وهو مؤمن فاولئك كان سعيهم مشكورا » (٤) .

فهذه الآية رتبت السعي المشكور على أمور :

اولا : ارادة الآخرة .

ثانيا : السعي والعمل لها .

ثالثا : الايمان بالله وملائكته وكتبه ورسوله وباليوم الآخر وبالقدر خيره وشره .

واختم البحث بهذه السورة الكريمة التي بينت النجاة وطريق الخسران قال تعالى : بسم الله الرحمن الرحيم « والعصر ان الانسان لفسى خسر ، الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر » (٥) .

اعد هذا البحث

صالح بن عبد الرحمن الاطرم

الاستاذ المساعد بكلية الشريعة بالرياض

(١) يوسف ، ١٠٨ . (٢) الملك ، ١٠ - ٢ . (٣) ال عمران ، ٢١ . (٤) الانعام ، ١٩ . (٥) العنكبوت ، ١٠ - ٣ .

DOCT: Mahalehnia
Dexam
GEBERAAAT
GECESIS
posetind-dit

INDONESIA

of the armpit, and shaving the privates on Thursday; on Friday the believer has to wash (*ghusl*) his body, to perfume himself, and to wear nice clothes.⁴⁰

The most liberal tradition is reported on the authority of Abū Hurayra. The Prophet gives a detailed account of the rewards which will be granted the believers who pare their nails on any day of the week; no special day for paring is singled out.⁴¹

Special importance is attached to the order of paring the nails.⁴² Scholars of *ḥadīth* stress that there is no sound tradition concerning the order of paring the nails,⁴³ but there exist certain utterances of early scholars and some verse compositions serving as mnemonic devices for knowing the right order.⁴⁴

There are scholarly disputes over the problem of how to dispose of the parings. The accepted opinion is that, according to the utterances of the Prophet, the parings should be buried. While there is nothing wrong in discarding them, to dispose of them in the privy or in the wash-house is reprehensible.⁴⁵ The reason for the injunction to bury the parings was that it would not allow sorcerers to play with them. Ibn Ḥajar records another reason for burying: they are a part of the human body and have to be buried like the body itself.⁴⁶ The verses of Sūrā LXXVII, 26–27 (*a-lam najʿali l-arda kifātan aḥyāʾan wa-amwātan*) “made we not the earth to be a housing for the living and for the dead?” refer to nail-parings and hair, according to one of the commentaries.⁴⁷ Al-Ḥakīm al-Tirmidhī records a tradition on the authority of ʿĀʾisha, stating that the Prophet ordered the burial of seven things from the human body: hair, parings, blood, menstruation. . . ., (fallen) teeth, prepuce, and placenta. The reverence for the body of the believer should be extended to the elements extracted from it.⁴⁸

Though the paring of nails is commonly accepted as a commendable *sunna* it must be performed privately; the paring of nails in mosques is condemned.⁴⁹

Abraham is said to have been the first person in humanity who pared his nails.⁵⁰ This practice, one of the usages which belong to the observances of the *fiṭra*, is carefully observed by believers until today.

40 Murtaḍā l-Zabīdī, *Iḥāfu*, II, 414.

41 Al-ʿAynī, *ʿUmdat al-qārī*, XXII, 46 supra; al-Suyūṭī, *al-Zafar*, fol. 370b–71a; idem, *al-Isfār*, fol. 3a; al-Shaukānī, *al-Fawāʾid al-majmūʿa fi l-ḥadīth al-mawḍūʿa*, ed. ʿAbd al-Rahmān al-Muʿallamī l-Yamānī (repr.: Beirut, 1392), 197, no. 569 (marked as forged, *mauḍūʿa*); Ibn al-Jawzī, *al-Mawḍūʿat*, ed. ʿAbd al-Rahmān Muḥammad ʿUṭhmān (Cairo, 1386/1966), III, 53 (marked as *mauḍūʿa*); cf. al-Tabarstī, *Makārim al-akhḥāq*, 25: . . . *khudhha in shiʿta fi l-jumuʿati wa-in shiʿta fi saʿīri l-ayyami*.

42 Al-Waṣṣābī, *al-Baraka* 216; al-Jīlānī, *al-Ghunya*, 17; al-Tabarstī, *Makārim al-akhḥāq*, 25.

43 See, e.g., Murtaḍā l-Zabīdī, *Iḥāfu*, II, 411.

44 See, e.g., al-Waṣṣābī, *al-Baraka*, 216.

45 Faḍlullāh al-Jīlānī, *Faḍlu* . . . II, 685; cf. al-Tabarstī, *Makārim al-akhḥāq*, 26 supra; al-Bahrānī, *al-Ḥadāʾiq*, V, 573.

46 Ibn Ḥajar, *Fath al-barī*, X, 292 ult.–293, II, 1–3.

47 Sulaymān b. Ismāʿīl al-Bahrānī al-Taubālī al-Katakānī, *al-Burhān fi tafsīri l-quṣʿān*, Qumm IV, 417; al-Bahrānī, *al-Ḥadāʾiq*, V, 573.

48 Al-Ḥakīm al-Tirmidhī, *Nawādir al-uṣūl*, 45; al-Qurṭubī, *Tafsīr*, II, 102 (quoting *Nawādir al-uṣūl*).

49 ʿAbd al-Razzāq, *al-Muṣannaf*, ed. Ḥabīburrāhmān al-Aʿzamī, (Beirut, 1390/1970), I, 439, no. 1718; and see Ibn al-Ḥajj, *al-Madkhal* (Beirut, 1972), II, 240.

50 Al-Suyūṭī, *al-Zafar*, fol. 368a.

“SHA‘BĀN IS MY MONTH...”

A STUDY OF AN EARLY TRADITION

“Sha‘bān is my month”: this utterance attributed to the Prophet is widely current and usually coupled with his statement about the status of Rajab and Ramaḍān.¹ A corroborative utterance, linking the month of Sha‘bān with the person of the Prophet, evaluates the status of Sha‘bān in relation to other months as follows: “The superiority of Sha‘bān over other months is like my superiority over other prophets”.² Peculiar is the commentary of Sūra 28:69: “Thy Lord creates whatsoever He will and He chooses . . .”, stating that this verse refers to the month of Sha‘bān: “God adorns everything by something and He embellished the months by the month of Sha‘bān”.³ In numerous utterances attributed to the

1 Al-Munāwī, *Fayḍ al-qadīr, sharḥ al-jāmi‘ al-ṣāghīr*, Cairo 1391/1972, IV, p. 162, no. 4889; al-ʿAzīzī, *al-Sirāj al-munīr*, Cairo 1377/1957, II, p. 369; ʿAbd al-Qādir al-Jīlānī, *al-Ghunya li-ṭālibi tariqi l-ḥaqq ʿazza wa-jalla*, Cairo 1322 A.H., I, p. 211; al-Suyūṭī, *al-Laʾālī al-maṣnūʿa*, Cairo n.d., II, p. 114; al-Majlisī, *Bihār al-anwār*, Tehran 1388 A.H., XCVII, pp. 68–69, 71, 75–77, 181–183; al-Ṣaffūrī, *Nuzhat al-majālis*, Beirut n.d., pp. 190, 195 ult.; Ibn Daybaʿ, *Tamyīz al-tayyib min al-khabīth*, Cairo 1382/1963, p. 81 (and see *ibid.*, p. 91, l. 1); Ibn Bābūyah, *Thawāb al-aʿmāl*, Tehran 1375 A.H., p. 60; Id., *Amālī*, Najaf 1389/1970, p. 17; al-Zandawaysitī, *Raudat al-ʿulamāʾ*, Ms. BM, Add. 7258, fol. 255b; and see Kister, *IOS*, I (1971), p. 198 note 50.

2 Al-Daylamī, *Firdaus al-akhbār*, Ms. Chester Beatty 3037, fol. 109b, penult.; al-Zandawaysitī, *op. cit.*, fol. 255b; cf. al-Suyūṭī, *al-Durr al-manthūr*, Cairo 1314 A.H., III, p. 236: . . . *shaʿbānu shahri fa-man ʿazzama shahra shaʿbāna fa-qad ʿazzama amri wa-man ʿazzama amri kuntu lahu farjan wa-dhukhran yauma l-qiyaʿati* . . . (the *ḥadīth* is marked as *munkar*); and see Aḥmad b. Ḥijāzī, *Tuḥfat al-ikhwān fi faḍl il rajab wa-shaʿbān wa-ramaḍān*, Cairo 1308 A.H., p. 41: . . . *kāna rasūlu llāhi (ṣ) yaqūlu idhā dakhala shaʿbānu: tahlirū anfusakum li-shaʿbāna wa-aḥsinū niyyatakum fihī, fa-inna llāha ʿazza wa-jalla faḍḍala shaʿbāna ʿalā sāʾiri l-shuhūri ka-faḍlī ʿalaykum* . . .; and see *IOS*, I, p. 199, note 55.

3 Al-Zandawaysitī, *op. cit.*, fol. 255b: *qāla fi tafsīri ḥādhihi l-āyati: wa-rabbuka yakhluqu mā yashāʾu wa-yakhtārū mā kāna lahumu l-khiyaratu, inna llāha taʿālā zayyana kulla shayʾin (on marjin: bi-shayʾin) wa-zayyana l-shuhūra bi-shaʿbāna; fa-kamā zayyana bihi l-shuhūra ka-dhālika yatazayyanu l-abdu bi-l-qʿati fihī li-l-ghufrānī* . . .

M. J. Kister "Society and Religion from Jahiliyya to Islam" London-1990. DN: 17373

XI

‘Sha‘bān is my month’:
A study of an early tradition
Studia orientalia memoriae D.H. Baneth
dedicata, ed. J. Blau et al. Jerusalem:
The Magnes Press, 1979

15–37

MAYIS 1993

Derg / Kitap
Kütüphane de Mecidiyeköy

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الكلمة التي ألقاها

مفضرة صاحب الفضيلة الأستاذ الكبير الشيخ عبد الرحمن من
وكيل الجامع الأزهر وإمام شرف صاحب الجلالة الملك

في ليلة « نصف شعبان المبارك » من سنة ١٣٧٠ هجرية

في مسجد « محمد علي » بالقلعة

نحمدك اللهم حمداً يديم علينا شكريك ، ويفتح لنا أبواب رحمتك ، يا ذا الجلال
والإكرام ، يا ذا الطول ، لا إله إلا أنت ظهر اللاجين ، وجار المستجيرين ،
وأمين الخائفين . ربنا آتانا من لذك رحمة وهيء لنا من أمرنا رشداً . ربنا فاخفر لنا
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا ، وتوفنا مع الأبرار . وصل اللهم على سيدنا محمد عبدك
ورسولك الذي أرسلته للناس هدى ورحمة ومرشداً وداعياً إلى صراطك المستقيم .
أما بعد : فهذه ليلة من الليالي المباركة ، التي يتجلى الله فيها على عباده المخلصين ،
فيعطى من يشاء ويفزر لمن يشاء ويرحم من يشاء بيده الخير ، والله ذو الفضل العظيم .
وقد ورد في السنة أن النبي صلى الله عليه وسلم أحيا هذه الليلة بالصلاة والدعاء
والاستغفار للثومنين والشهداء ، وبين أنها ليلة مباركة ، ينبغي للثومنين أن يلتجئ
فيها إلى الله تعالى عسى أن ينال من النجات الإلهية ما لا يشق بعده أبداً ، فقد روى
البيهقي عن عائشة رضي الله عنها قالت : قام رسول الله صلى الله عليه وسلم من الليل
فصلى فأطال السجود حتى ظننت أنه قد قبض ، فلما رأيت ذلك قمت حتى حركت
إبهامه فتحرك ، فرجعت فسمعته يقول في سجوده : أعوذ بعفوك من عقابك ، وأعوذ
برضاك من سخطك ، وأعوذ بك منك إليك ، لا أحصي ثناء عليك أنت كما أثنيت
على نفسك . ولما فرغ من صلاته قال لها : هذه ليلة النصف من شعبان ، إن الله
عز وجل يطلع على عباده في ليلة النصف من شعبان فيغفر للستغفرين ، ويرحم
السترحين ، ويؤخر أهل الحقد كما هم .

وقالت : إنه خرج في هذه الليلة - أي ليلة النصف من شعبان - إلى بقيع الغرقد ،
فأدركته فوجدته يستغفر للثومنين والمؤمنات والشهداء .

وقد ورد في فضل هذه الليلة عدة أحاديث رويت عن النبي صلى الله عليه وسلم
خرَّجها من المحدثين الإمام أحمد والترمذي وابن ماجه وابن حبان والطبراني
والبيهقي عن جمع من الصحابة منهم : عائشة وأبو بكر ومعاذ وأبو موسى الأشعري
وعبد الله بن عمرو وعثمان بن أبي العاص وأبو ثعلبة الحشني وهي في مجموعها تدل
على أن الله سبحانه وتعالى يتجلى على عباده في هذه الليلة المباركة ، ويتولاهم بالمغفرة
والرحمة وإجابة الدعاء (١) .

ولكن ناساً ذكروهم رسول الله صلى الله عليه وسلم بأوصافهم وبين أنهم ليسوا
أهلاً للمغفرة وأنهم مبعدون من رحمة الله في هذه الليلة إلا إذا طهروا نفوسهم
من الآثام وكبائر الذنوب التي وصفهم بها .

فمن هؤلاء أهل الشحاء ، وقد ورد ذكروهم في رواية أبي بكر رضي الله عنه
عن النبي صلى الله عليه وسلم قال : ينزل الله إلى سماء الدنيا ليلة النصف من شعبان
فيغفر لكل شيء إلا لرجل مشرك أو رجل في قلبه شقاء ، والشقاء هي العداوة
والخصومة ، والمشاكسة وهي وصف لو وجد بين أفراد الأسرة لانحلت عصبيتها ،
ولو سرى بين الجماعات في أمة لانحل كيانتها وتفرق شملها ، ولو وجد بين أمتين فقد
ينتهي بينهما إلى الحرب ؛ فأهل الشحاء ليسوا أهلاً لأن يتولاهم برحمته ومغفرته .
ومنهم الحاقدون وهم الذين انطوت نفوسهم على الغل والعداوة والبغضاء للمفرد
أو للجماعة ، وقد ورد ذكر الحاقدين في رواية عائشة - السابقة - رضي الله عنها أن الله
يفغر للستغفرين ويرحم المسترحمين ويؤخر أهل الحقد كما هم .

[١] راجع فيما ذكر باب الترغيب في صوم شعبان ٨٠ ، ٨١ من الجزء الثاني من كتاب الترغيب

والترهيب للحافظ المنذرى والمجلد الثاني في نصف شعبان من كتاب لطائف المعارف لابن رجب

ص ١٤٢ والجزء السادس من كتاب زاد المسلم ص ٥٦٨ و ٥٧١ ورسالة هداية الرحمن .

دراسات قرآنية .

ليلة النصف من شعبان

ليست الليلة التي ينفق فيها كل أمر حكيم

لفضيلة الشيخ مصطفى محمد الطير

« حم (١) والكتاب المبين (٢) أنا أنزلناه في ليلة مباركة أنا كنا منذرين (٣) فيها يفرق كل أمر حكيم (٤) » من سورة الدخان

البيان

ذهب بعض العلماء الى أن ليلة النصف من شعبان هي الليلة التي يفرق فيها كل أمر حكيم ، وهي التي جاءت في سورة الدخان في قوله تعالى « حم والكتاب المبين • أنا أنزلناه في ليلة مباركة أنا كنا منذرين فيها يفرق كل أمر حكيم » وممن ذهب الى ذلك عكرمة ، واحتج بما جاء في بعض الأحاديث من أن الآجال تنسخ في ليلة النصف من شعبان ، حتى ان الرجل ليتزوج وقد رفع اسمه فيمن يموت .

والصحيح أن الليلة المذكورة هي

ليلة القدر ، لقوله تعالى أنا أنزلناه في ليلة القدر » وليلة القدر في رمضان ، لقوله تعالى « شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن ، فتبين من ذلك أن كل أمر حكيم لا يفرق في ليلة النصف من شعبان ، بل في الليلة المباركة التي أنزل فيها القرآن ، وهي ليلة القدر من شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن ، وهذا هو الذي ارتضاه جمهور العلماء وعلى رأسهم ابن عباس ، اخرج محمد بن نصر وابن المنذر وابن أبي حاتم عن ابن عباس أنه قال في تفسير آية الدخان (يكتب في ليلة القدر ما يكون في

اللسنة من رزق أو موت أو حياة ، أو مطر ، حتى يكتب الحاج : حج فلان ويحج فلان) •

ومن ذهب الى ذلك الحسن ، اخرج عبد بن حميد وابن جرير عن ربيعة بن كلثوم قال : كنت عند الحسن فقال له رجل يا أبا سعيد : ليلة القدر في رمضان هي ؟ قال :

« أي والله انها لفي كل رمضان ، وانها الليلة التي يفرق فيها كل أمر حكيم ، فيها يقضى الله تعالى كل أجل وعمل ورزق الى مثلها ، وروى هذا التعميم عن غير واحد من السلف ، فهؤلاء جميعا قالوا ان كل مقدرات العام تنقل من أم الكتاب الى الملائكة ليلة القدر ، ليقوموا بتنفيذها في مواطنها ، كل في دائرة اختصاصه •

الصيام في شعبان

شعبان شهر كريم ، وهو مقدمة الشهر أكرم ، شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن ، وفرض فيه الصيام ، ولقد كان النبي صلى الله عليه وسلم يخصه من بين الشهور بكثرة صيامه فيه ، ففي الصحيحين

عن عائشة رضی الله تعالى عنها « كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يصوم حتى نقول لا يفطر ، ويفطر حتى نقول لا يصوم ، وما رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم استكمل صيام شهر الا رمضان ، وما رأيت أكثر صياما منه في شعبان » •

وفيها عن عائشة أيضا قالت « لم يكن النبي صلى الله عليه وسلم يصوم شهرا أكثر من شعبان ، فانه كان يصوم شعبان كله ، وكان يقول : « خذوا من العمل ما تطيقون ، فان الله لا يمل حتى تملوا » •

أحياء ليلة النصف من شعبان

جرت عادة كثير من المسلمين أن يحيوا ليلة النصف من شعبان ، وأن يدعوا الله تعالى ، لما روى عن أحيائها من أحاديث تدل على فضلها ، وتبعث على أحيائها •

وهذه الأحاديث وان لم تصل الى درجة الصحة في أفرادها ، فان بعضها يقوى بعضها ، كما هو شأن الأحاديث الضعيفة السند اذا

THE MONTH OF SHA'BAN

THE MONTH OF SHA'BAN

AND

THE NIGHT OF BARA'AH

MERITS AND RULES

By MUHAMMAD TAQI USMANI

The month of Sha'ban is one of the meritorious months for which we find some peculiar instructions in the Sunnah of the Holy Prophet ﷺ. It is reported in the authentic *ahadith* that the Holy Prophet used to fast most of the month in Sha'ban. These fasts were not obligatory on him, but Sha'ban is the month immediately preceding the month of Ramadan. Therefore, some preparatory measures are suggested by the Holy Prophet ﷺ through his oral instructions and his practice. Some of these are given below:

1. The blessed Companion Anas رضى الله عنه reported that the Holy Prophet ﷺ was asked,

"Which fast is the most meritorious after the fasts of Ramadan?" He replied, "Fasts of Sha'ban in honour of Ramadan."¹

2. The blessed Companion Usama b. Zaid رضى الله عنه reports that he asked the Holy Prophet ﷺ,

"Messenger of Allah, I have seen you fasting in the month of Sha'ban so frequently that I have never seen you fasting in any other month."

The Holy Prophet ﷺ replied:

"That (Sha'ban) is a month between Rajab and Ramadan which is neglected by many

people. And it is a month in which an account of the deeds (of human beings) is presented before the Lord of the universe. So, I wish that my deeds be presented at a time when I am in a state of fasting."² (Nasai)

3. Ummul mu'mineen 'Aishah رضى الله عنها says,

"The Holy Prophet ﷺ used to fast in the whole of Sha'ban. I said to him, 'Messenger of Allah, is the month of Sha'ban your most favourite month to fast?' He said, 'In this month Allah prescribes the list of the persons dying this year. Therefore, I like that my death comes when I am in a state of fasting.'³ (Abu Ya'la)

4. In another Tradition she says,

"The Holy Prophet ﷺ would sometimes begin to fast continuously until we thought he would not stop fasting, and sometimes he used to stop fasting until we thought he would never fast. I never saw the Messenger of Allah ﷺ fasting a complete month, except the month of Ramadan, and I have never seen him fasting in a month more frequently than he did in Sha'ban"⁴ (Bukhari)

5. In another report she says,

1 رواه الترمذى وقال حديث غريب

2 سنن النسائى

3 رواه أبو يعلى وإسناده حسن (الترغيب والترهيب ص ٢٤٠ ج ٢)

4 صحيح البخارى وصحيح مسلم

شعبان زیاده از ماه رجب است، و منسوب است به حضرت سید انبیا صلی الله علیه و آله، چنانکه از حضرت صادق (ع) منقول است که چون حضرت رسول صل الله علیه و آله ماه شعبان را مشاهده می نمود، امر می فرمود: نداکننده ای در بین مردم اعلام کند: ای اهل مدینه؛ من فرستاده رسول خدا به سوی شما هستم، او می فرماید: شعبان ماه من است، خداوند رحمت کند کسی را که مرا بر ماه من یاری دهد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: از روزی که ندای منادی رسول خدا را شنیدم روزه ماه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و از حضرت رسول صل الله علیه و آله منقول است که فرمودند: ماه شعبان ماه شریفی است و آن ماه من است و حاملان عرش الهی آن را تعظیم می نمایند، و حق و حرمت آن را می شناسند، و آن ماهی است که روزیهای بندگان در آن از برای ماه رمضان فزونی می یابد، و بهشتها را در آن زینت می کنند، و آن را شعبان نامیده اند برای آنکه روزیهای مومنان در آن متشعب و بسیار می گردد، و کار نیک در آن هفتاد برابر مضاعف می شود و گناه در آن سبک و آمرزیده می شود، و اعمال خیر در آن مقبول خواهد بود، و خداوند به روزه داران و عبادت کنندگان این ماه نظر عنایت دارد و به آنان بر حاملان عرش مباحثات می نماید.....» (زاد المعاد، ۴۵ به بعد با اندکی تصرف).

اعمال ماه شعبان : به طور اجمال فهرستی از اهم اعمال ماه شعبان را یاد می کنیم: (۱) / استغفار، از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که فرمودند: هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار استغفار کند گناهانش آمرزیده می شود هر چند که به شمار ستارگان آسمان باشد. روایات دیگر نیز در این باره وارد شده است: (۲) / صلوات، در حدیثی آمده که پیامبر (ص) شفاعت می کند کسی را که در این ماه بر او و آل او صلوات فرستد. و از حضرت امام زین العابدین (ع) آمده که هر روز از ماه شعبان و شب نیمه شعبان این صلوات را می خوانند اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائكة و معدن العلم و اهل بیت الرحمة (← صلوات: ۳) / مناجات شعبانیه، آن دعائی است که سید ابن طاووس از ابن خالویه نقل کرده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان از فرزندان آن حضرت علیه السلام در این ماه می خوانند (← مناجات شعبانیه: ۴) / تهلیل، گفتن هزار بار در مجموع این ماه: لا اله الا الله و لا نعبد الا اياه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون، فضیلت بسیار دارد: (۵) / روزه، تمامی روزهای ماه شعبان به خصوص سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر آن: (۶) / دعا و زیارت امام حسین (ع) روز سوم و شب نیمه شعبان، به خصوص برای شب نیمه زیارتی مخصوصه

التواریخ، ۴۹۳/۳؛ داستان پیامبران، گرمارودی، ۱۳۹/۲؛ معارف و معاریف، حسینی دشتی، ۴۹۳/۶؛ حبیب السیر، ۳۱۴؛ فروع ابدیت، ۳۵۲؛ فرهنگ معین، ۲۰۴۷/۲.

شعبان، نام ماه هشتم از ماههای قمری عربی، که بعد از ماه رجب و پیش از ماه رمضان قرار دارد. جمع آن شعبانات و شعباین است این نام از ریشه شعب گرفته شده که هم برجذایی و افتراق و هم بر فراهم آمدن و اجتماع دلالت دارد که بعضی از اهل لغت گفته اند: این واژه از اضداد است ولی دیگران آن را از باب اختلاف لغات دانسته اند کلمه شعب به معنی امت و قوم نیز از همین ریشه گرفته شده است چنانکه خداوند فرمود: وجعلناکم شعوباً و قبائل.... و شما را از امتهای و قبایله قرار دادیم... (حجرات). وجه نامگذاری شعبان طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: از آن است که خیر بسیار به جهت ماه رمضان از آن منشعب می گردد. (مجمع البیان)، و نیز گفته شده: چون شعبه های رحمت خدا در آن بسیار است شعبان نامند (ابواب الجنات فی آداب الجمععات، ۴۷۷) یا به جهت آنکه روزیهای بندگان در این ماه بسیار منشعب می شود و حسنه مضاعف می گردد (منهاج العارفين، ۱۸۵). اما عرب جاهلی چون در این ماه برای پیدا کردن آبشخور، یا به منظور غارتگری پراکنده و منشعب می شدند این را وجه تسمیه شعبان پنداشتند (تاج العروس، ۲۲۰۱۸). از جهت عظمت و اهمیت این ماه - که در مقدمه ماه مبارک رمضان قرار دارد - معمولاً آن را شعبان المعظم تعبیر می کنند و اوصافی برای این ماه بر فضیلت نیز منقول است، از جمله: شهر الزینة، به اعتبار آنکه ثواب حسنات در آن تا هفتاد برابر فزونی می یابد: شهر الشفاعة، زیرا که هر کس این ماه را روزه بدارد، و هر که بر محمد و آل محمد بسیار صلوات بفرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را شفاعت می کند. همچنین در چند روایت آمده که این ماه به رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص دارد، لذا آن را شهر الرسول، نامیده اند (بحار الانوار، ۶۸/۹۷).

فضیلت ماه شعبان، مجاورت این ماه با ماههای رجب و رمضان اهمیت خاصی به آن بخشیده و احادیث بسیار در فضیلت و عظمت آن وارد شده است، و سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بر آن بوده که در این ماه به روزه و عبادت و شب زنده داری اهتمام بیشتری داشته اند، و در کتب ادعیه و جوامع حدیث اعمال و آداب بسیاری برای این ماه بیان شده است و عمده اعمال این ماه سه چیز است، اول: روزه داشتن، دوم: صلوات فرستادن، و سوم: هر روز دست کم هفتاد بار استغفار. علامه مجلسی فرموده است: «بدانکه فضل ماه

لا يستوجب سقوط فرضي آخر، كما أن قول قيس: "لم يأمرنا ولم ينهنا" دليل على بقاء الحكم، وأنه لم يجر عليه أي تغيير.

• كيف تكون زكاة الفطر منسوخة بالزكاة العامة، وهي تختلف عنها في كون الأولى ضريبة على الأشخاص أو الرقاب، والأخرى ضريبة على الأموال؟!!

• إن أهمية زكاة الفطر والحكمة من مشروعيتها تردُّ القول بنسخ أحاديث وجوبها؛ وذلك لأنها فرضت على الصائم طهرة له من اللغو والرّفث، وطعمة للمساكين، فهل مثل هذا يُنسخ؟!!



الشبهة التاسعة والعشرون

توهّم تعارض الأحاديث بشأن الصوم

بعد نصف شعبان (*)

مضمون الشبهة:

يتوهم بعض الناس وجود تعارض فيما جاء عن رسول الله ﷺ بشأن مشروعية الصوم بعد النصف من شعبان، وذلك فيما رواه العلاء عن أبيه عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: "إذا انتصف شعبان فلا تصوموا". فهذا يتناقض مع ما جاء عن عائشة رضي الله عنها أنها قالت: "لم يكن النبي ﷺ يصوم شهراً أكثر من شعبان، وكان يصوم شعبان كله...". ومثله

(*) لا نسخ في السنة، د. عبد المتعال الجبري، مرجع سابق. يختلف الحديث عند الإمام أحمد، د. عبد الله الفوزان، مرجع سابق.

٢١٢ - ٢٠٨

وسرور عام، فينبغي تعميم السرور على كل أبناء المجتمع المسلم، فلن يفرح المسكين ويسر إذا رأى الموسرين والقادرين يأكلون ما لذ وطاب، وهو لا يجد قوت يومه في يوم عيد المسلمين؛ لذا اقتضت حكمة الشارع أن يفرض له في هذا اليوم ما يغنيه عن الحاجة وذلك السؤال، ويشعره بأن المجتمع لم يهمل أمره، ولم ينسه في أيام بهجته وسروره^(١).

ومن خلال العرض السابق يتبيّن لكل مدعٍ أو واهم أن أحاديث وجوب زكاة الفطر ليست منسوخة ألبتة بحديث قيس بن سعد، كما قال جمهور أهل العلم؛ وذلك لأن هذا الحديث لا يصلح للاستشهاد به على النسخ؛ فإن نزول فرضي لا يستوجب سقوط فرضي آخر، كما أن قول قيس: "لم يأمرنا ولم ينهنا" دليل على بقاء الحكم، وأنه لم يجر عليه أي تغيير، بالإضافة إلى أن زكاة الفطر تختلف عن الزكاة العامة اختلافاً بيناً في معناها والحكمة من مشروعيتها، فكيف تكون منسوخة بها^(٢)؟!!

الخلاصة:

• لقد أجمع جلُّ أهل العلم على أن أحاديث زكاة الفطر وفرضيتها ليست منسوخة ألبتة بشيء.

• ليس في حديث قيس بن سعد دلالة على نسخ أحاديث وجوب زكاة الفطر؛ إذ إن نزول فرضي

١. فقه الزكاة، د. يوسف القرضاوي، مرجع سابق، (٢/ ٩٢٢، ٩٢٣) يتصرف.

② في "زكاة الفطر ومراعاة كل عصر" طالع: الوجه السادس، من الشبهة الثالثة والعشرين، من الجزء الأول (مصدر السنة وحجيتها). وفي "فرضية الزكاة في ضوء القرآن والسنة" طالع: الوجه الأول، من الشبهة السابعة والعشرين، من هذا الجزء.